

کشفیه بود که گفت نظر کن که در میان این صورتها صورتی بنویسی که خوب
 شده است می بینی نظر کردم صورت ویران دیدم کفتم نمی بینم بعد
 از آن مرا ایدری در گریز بر زگره از آن و در اینجا صورتها سبزه بود
 از بنیته گفت بنگ بنگ که درین در صورت ویرانی بینی چون نظر
 کردم صورت رسول اصلی اند علیله و سلم دیدم در صورت ابو بکر
 نیز که در عقب می بر گرفته است از من پرسید که صورت ویران دیدی
 کفتم آری و با خود گفتم که با وی نگویم که آن کد هست تا به بنم که وی
 چه میگوید گفت که صورت وی اینست و اشارت بجهت مبارک
 رسول اصلی اند علیله و سلم که کفتم آری خدا یا کو ای میدم که این است
 وی نیز گفت کو ای میدم که این صاحب شماست و این خلیفه
 و است بعد از وی و اشارت بصورت ابو بکر که در رضی الله عنه
 من گفتم که هرگز ندیدم که چیزی چیزی مانند اینست مثل این صورت
 یا بس گفت بوی ترسی که ویران بنشینم کفتم که همان من است
 که اکنون از قبل وی فارغ شده باشم گفت و الله که ایشان
 ویران خواهند گشت و وی خواهد گشت ایشانرا او تسل می بینند

ویران که خدا را

و سر اینست خدای تعالی ویران علیله نصرت خواهد داد در این
ویران که الت که شام این العاص رضی الله عنه گفته است
 که امیر المؤمنین ابو بکر صدیق رضی الله عنه خلافت خود در شخص دیگر
 بر سالت پیش از قل صاحب روم در ستاد تا ویران با سلام خوانم
 چون لغوظه رسیدیم چه خبری شنیدی از امر او هر حال می بودیم
 که ویران به بنم رسولی پیش ما فرستاد که سخنی که در این باب میگوید
 کفتم که الله که ما سخن می گویم مگر یا چه بگوید ما را بروی در آورد گفت
 سخنی که در این باب میگوید هشام گفته است که من با وی سخن گفتم
 با سلام خواندم دیدم که جامهای سیاه پوشیده است کفتم چه سیاه پوشیده
 گفت سیاه پوشیده ام و گویند خورده ام که آنرا از من خود گفتم
 تا شما را از شام خبر دهم من گفتم که و الله که ایجا که نشسته ایم انهم
 گرفت و ملک ملک بر زگره ایشان را اند تعالی ما را انبوی ما
 صلی الله علیه و سلم باین خبر کرده است گفت شما آن قوم نیستید که
 ایشان این ملک خواهند گرفت بلکه ایشان قوم اند که روزی روزی
 دارند و شب افطار کنند بعد از آن او گفت روزی ما را سبزه